

در گفت‌وگو با دکتر فدایی قطبی معمار و استاد دانشگاه مطرح شد؛

مردم مایل به عزاداری در بافت تاریخی هستند

شهرسازی جدید گذرهای آیینی محرم را نادیده گرفت

اسما پورزنگی آبادی

تغییرات شهرسازی که طی دهه‌های اخیر در شهر کرمان اتفاق افتاده، سنت عزاداری در محرم را نیز تحت تأثیر قرار داده است. در گذشته، مسیرهایی وجود داشته که دسته‌های عزاداری در هر محله آن را طی می‌کرده و از یک تکیه و به تکیه‌های دیگر می‌رسیده است. این گذرها اما به شکل گذشته نیست و برخی از بین رفته و برخی دیگر هم متناسب با نیاز امروز شهروندان عزادار نیست.

دکتر مریم فدایی‌قطبی - معمار، شهرساز، پژوهشگر و استاد دانشگاه در حال بازطراحی یکی از این مسیرهاست که به عنوان گذر آیینی تعریف می‌شود.

او می‌گوید که همین الان هم گذرهایی آیینی و جابه‌جایی عزاداران را در سطح بافت تاریخی داریم ولی در شان عزاداران و هیات‌های عزاداری نیستند. او تأکید می‌کند که گذرهای آیینی باید امکانات لازم را در اختیار عزاداران قرار دهد.

گفت‌وگو با او را در ادامه می‌خوانید. شما طرحی برای احیای یکی از گذرهای آیینی در بافت تاریخی شهر کرمان را دنبال می‌کنید. لطفا درباره گذر آیینی بگویید که چه ویژگی‌هایی دارد و با چه اهدافی ایجاد می‌شود؟

تظاهر اجتماعی شهروندان که نمود عینی آن را در مراسم عزاداری دهه اول محرم مشاهده می‌کنیم، تجعی است که بیش‌تر تمایل به بازگشت به گذشته دارد. مطالعات هم نشان می‌دهد که مردم تمایل دارند این تظاهر را در بازگشت به گذشته تعریف کنند؛ برای همین است بیش‌تر افرادی که در شهرها ساکن هستند، در این دهه به شهرها و روستاهای خودشان برمی‌گردند و در عزاداری این مناطق شرکت می‌کنند. اگر این روند را در کرمان دنبال کنیم به این نتیجه می‌رسیم که شهروندان کرمان هم بیش‌تر تمایل دارند در این ایام به بافت تاریخی برگردند و این انتظاری است که از رفتار اجتماعی مردم کرمان در ۱۰ روز اول محرم داریم. مطالعه‌ای انجام دادیم که نشان داد در این ایام، مردم در مناطق گوناگون شهر پراکنده هستند در حالی که در روزهای عادی، هرکسی در تکیه و مسجد محله خودش حضور دارد و همین تأییدی دیگر بر این است که کرمانی‌ها در مراسم تکیا و مساجد محله‌های قدیمی‌تر

شرکت می‌کنند. مطالعه‌ای میدانی هم درباره رفتار مردم و اینکه کجا را برای عزاداری انتخاب می‌کنند انجام دادیم. نتایج آن نشان داد که مردم تمایل دارند عزاداری را در بافت تاریخی برگزار کنند اما در حال حاضر، سطح آمادگی بافت تاریخی کرمان برای پذیرش مردم بیش‌تر آن‌ها را دچار سردرگمی می‌کند. چنانچه قرار باشد پرشورترین حضور مردم در دهه محرم را در بافت تاریخی داشته باشیم این محدوده از شهر باید آمادگی نسبی پیدا کند. در محرم، اتفاقی که می‌افتد این است که اجتماعات عزادار بین محلات حرکت می‌کنند و این رسم کل کشور و کرمان است. مسیرهایی که این عزاداران در شهر کرمان جابه‌جا می‌شدند، در تغییرات شهرسازی ۵۰ سال اخیر نادیده گرفته شده؛ مثلا تعریض یا وارد شبکه ترافیک شده است. گذر آیینی مناسب‌سازی کنیم تا ضمن اینکه در این مسیرها روز استفاده می‌شود، در بقیه ایام سال هم نمودی از خاطره این اتفاقات را در خود نگه دارد؛ مشابه اتفاقی که در تکیا رخ می‌دهد که در طول سال به مردم خدمت می‌دهند ولی در محرم خیمه‌پوش و سیاه‌پوش شده و به یک فضای معماری برای عزاداری تبدیل می‌شوند. گذر آیینی هم همین‌طور است که در ۱۰ روز محرم برای این اجتماعات اختصاصی پیدا می‌کند و در بقیه ایام سال در خدمت مردم هستند اما در ایام محرم مردم می‌توانند به راحتی انتخاب کنند که برای شرکت در مراسم عزاداری به کجا مراجعه کنند. گذر آیینی فضایی مناسب برای حضور چه عزاداران و چه کسانی که به عنوان تماشاچی مشارکت می‌کنند فراهم می‌کند تا هم نهایت استفاده را از مراسم ببرند و هم دسترسی به



امکانات اولیه شهری داشته باشند. در گذشته گذرهای آیینی در شهر کرمان به چه صورت بوده است؟

شکل‌گیری شهرهای اسلامی مثل شهر کرمان نه براساس رفتار هیات‌های عزاداری بلکه در تعاملی با عزاداری محرم بوده و همیشه عزاداری محرم بر شکل شهرهایی مثل کرمان و یزد تأثیری مستقیم داشته است. در کرمان هر محله تکیه‌ای داشته و گذری که به تکیای دیگر متصل می‌شده است. هر محله یک یا دو تکیه داشته است. در حال حاضر، تقریباً بیش از ۲۰ تکیه در بافت تاریخی داریم. این تکیا گذرهای مشخصی به تکیای دیگر داشته که در ایام محرم به گذرهای آیینی تبدیل می‌شده است. این اتصال تکیا در ۵۰ سال اخیر در جریان روند شهرسازی که داشتیم از بین رفته است. در چند سال اخیر شاهد نوع دیگری از اجتماعات عزاداری در شهرها داشتیم که برپایه موکب‌ها هست. این موکب‌ها می‌تواند این سنت عزاداری ما را که به آن اشاره کردید تقویت کند؟

پدیده ظهور موکب متناسب با نحوه عزاداری شیعیان در ایران نیست. نوع عزاداری ما مبتنی بر روضه بوده که در آن، قطره قطره معرفت عاشورایی به شنونده چشاند می‌شده و این سنت که عزاداران در محلی مشخص بنشینند و به روضه‌ای گوش کنند و به عزاداری بپردازند را هم اکنون در بافت تاریخی در خانه آقای خوشرو داریم که به حرکات سریع و کوتاه در موکب‌ها تبدیل شده است. در واقع، به جای اینکه شنونده ذره ذره با معرفت عاشورا آشنا شود، در موکب‌ها لمسی سریع و کوتاه‌مدت دارد و این موکب‌ها دارد سنت دیرپایی که در فرهنگ عاشورایی

همزمان با تاسوعا و عاشورای حسینی؛ مراسم جوش‌زنی در روستای جهانی میمند برگزار می‌شود

گروه جامعه: مدیر پایگاه میراث‌ جهانی منظر فرهنگی میمند با اشاره به برگزاری مراسم جوش‌زنی در این روستای جهانی گفت: «با توجه به تمهیدات اندیشیده شده برای ساماندهی محوطه روه‌روی حسینیه میمند امسال هم میزبان عزاداران حسینی هستیم». رضا ریاحیان با بیان اینکه روستای میمند دارای بافتی پویا و زنده است و طبق روال هر سال مراسم جوش‌زنی در روز تاسوعا و عاشورا در این روستا برگزار می‌شود، اظهار کرد: «مراسم جوش‌زنی از آثار ثبت شده در فهرست آثار ملی است».

وی با بیان این‌که جوش‌زنی نوعی سینه‌زنی است که در ماه محرم توسط مردم محلی به شیوه خاص برگزار می‌شود، افزود: «این شیوه عزاداری در شهرهای دیگر هم انجام می‌شود که با نوع میمندی اندکی تفاوت دارد، اما اساس عزاداری در هر دو نوع یکسان است». به گزارش ایسنا کرمان، مدیر پایگاه میراث جهانی منظر فرهنگی میمند ادامه داد: «مردم عزادار با دست چپ کمر فرد کناری خود را محکم گرفته و یک حلقه دایره‌ای ایجاد می‌کنند که ریشه در اعتقادات مذهبی آنان دارد».

وی بیان کرد: «مردم منسجم عزادار ضمن حرکت دایره‌وار، دو قدم به عقب رفته و سپس یک قدم به جلو می‌گذارند و همزمان با این حرکت زنجیره‌ای، اشعار مذهبی نوحه‌خوان را پاسبخ داده و با دست راست به سینه خود می‌کوبند».

مدیرعامل سازمان مدیریت شبکه حمل‌ونقل شهرداری کرمان خبر داد؛ پارک حاشیه‌ای خودروها در معابر هوشمند می‌شود

گروه جامعه: مدیرعامل سازمان مدیریت و مهندسی شبکه حمل‌ونقل شهرداری کرمان از خرید نرم‌افزار مدیریت هوشمند پارک حاشیه‌ای و پارکینگ‌های عمومی خبر داد و گفت: «قصد داریم با ارتقای وضعیت پارک حاشیه‌ای در معابر پرتردد، استفاده عادلانه از این فضا را برای همه فراهم کنیم».

علی سعیدی افزود: «در بسیاری از موارد، افرادی خودروهای خود را در تمام طول روز در حاشیه معابر پارک می‌کنند و امکان استفاده از جای پارک را برای دیگران از بین می‌برند و با این کار، آمار پارک دوبله را زیاد می‌کنند که با ساماندهی پارک حاشیه‌ای، از این توقف‌ها جلوگیری می‌شود».

وی با بیان این‌که این سیستم پس از جذب سرمایه‌گذار در معابر پرتردد، اجرا می‌شود، ادامه داد: «در فاز نخست، پارکینگ‌های عمومی به این نرم‌افزار مجهز خواهند شد».

به گزارش کرنا، سعیدی همچنین بیان کرد: «برای هوشمندسازی سیستم فرماندهی تقاطع‌ها نیز اقدامات مناسبی را برنامه‌ریزی کرده‌ایم و در حال بررسی و مطالعه بیشتر این موضوع هستیم». وی گفت: «اسناد برگزاری مناقصه برای راه‌اندازی سیستم هوشمند فرماندهی تقاطع‌ها به‌زودی منتشر می‌شود».

رئیس اتاق اصناف هشدار داد؛ خانه‌های نایمن در محدوده بازار تاریخی کرمان

گروه جامعه: رئیس اتاق اصناف کرمان گفت: «یکی از موارد حادثه‌ساز در محدوده بازار تاریخی شهر کرمان، سکونت در خانه‌های نایمن لایه‌های دوم و سوم بازار است که بیش‌تر مهاجران و اتباع دیگر کشورها هستند».

محسن ربیعی تأکید کرد: «باید در مورد ایمنی این خانه‌ها تصمیم‌گیری شود». به گزارش کرنا، وی ۲۹ تیرماه در نشست در میراث‌فرهنگی با موضوع وضعیت ایمنی بازار تاریخی شهر کرمان اظهار کرد: «تمام واحدهای صنفی در بازار بیمه آتش‌سوزی دارد».

وی تعداد واحدهای صنفی را که بیمه آتش‌سوزی شده‌اند، ۳۶۰۰ واحد بیان کرد.

وی گفت: «برای ایمن‌سازی بازار تاریخی شهر کرمان، آماده هر نوع همراهی و همکاری با سازمان آتش‌نشانی هستیم».



برگ‌های فروریخته زیر درخت بر جای مانده است، برگ‌هایی که اگرچه دیگر سبز نیستند، اما با همه زردی و خستگی، نشانی از معرفت هستند، آن‌گونه که حتماً شیخ اجل، سعدی شیراز مرا مجاز می‌دارد که بگویم برگ‌های زرد فروریخته «هر ورقش دفترتی است، معرفت کردگار».

به راستی چقدر درخت‌ها از برخی ما انسان‌ها با معرفت‌ترند، چقدر به دل‌بستگی و علاقه خود پایبند هستند. درختی که سال‌ها محصولش با عشق و شور و نشاط، به کام عزیز خدمنگزاری نشسته، حالا که می‌بیند، برگ و بار او خشکیده و سر به خاک فرو برده، دیگر رغبتی برای ماندن و ثمر دادن از خود نشان نمی‌دهد. درختی که امروز با خش‌خش برگ‌های سوخته و خشکیده‌اش، بر صحیفه زمین می‌نویسد، «می‌خواهم که بعد از تو مرا برگ و بری باشد».

اکنون این درخت تکیده و بی‌برگ، برای من سمبل مهربانی است، بر تنه تناور و خشکیده‌اش بوسه می‌زنم که زیباترین حدیث همراهی و افسانه‌ترین حکایت دل‌بستگی است. بر رقم زد و معنی مهربانی را به ما انسان‌ها آموخت.

کجاست «سایه» تا شاعر «برغان» دیگری بسراید و از درخت خانه ما نیز بپرسد: آسمان «درخت شفابخش» نمی‌رسد.

در سوگ یار مهربانم دکتر محمدعلی شفا؛

داستان مهربانی یک درخت «شفا» بخش!

سیدمحمدعلی گلایزاده

دوستی داشتیم که قریب پنجاه سال از همراهی‌هایش بهره بردم و صفای باطن او همواره برایم مثال زدنی بود. پس از فراغت از تحصیل در دانشگاه اصفهان، ایشان هم به کرمان آمد و با جامعه سپید پزشکی، درمان بیماران این دیار را همت هم‌مارد. در سال‌های نخست و فراغت، بیشتر با هم رفت و آمد خانوادگی هم داشتیم، اما به تدریج که گرفتاری‌های پزشکی و تدریس دانشگاهی او افزوده شد و من نیز گرفتار امور فرهنگی مختلف و کارهای اجرائی گوناگون شدم و خانواده‌ها نیز علاوه بر درگیری‌های معمولی، مسئولیت نگهداری نوه‌ها را نیز پذیرفتند، این رفت و آمدها به حداقل رسید.

در این میان، دو درخت، پیوند ما را با دکتر و خانواده ایشان حفظ می‌کردند، یکی درخت شاه‌توتی که در خانه ما بود و هر سال تابستان وقتی به بار می‌نشست، از میوه‌های پر آب و شاداب و مثال زدنی آن می‌چیدم و ششخا به خانه دوستمان می‌بردم و به این ترتیب دیداری تازه می‌شد و غم مهاجرتی از یاد می‌رفت. این اقدام معمولاً سه چهار باری در تابستان تکرار می‌گردید. در عوض، دوست ما نیز، در همان ایام یا کمی پس از آن،

درخت خرما لوی خانه خود و از محصولی که مرغوبیت خاصی داشت، در دفعات مختلف چند جعبه خرما لوی برای ما می‌آورد که به دلیل کیفیت و اطمینان از سلامت آن‌ها، همسرم خرما لوی را خشک می‌کرد و برای بچه‌ها و نوه‌هایمان به داخل و خارج می‌فرستاد.

این پیوند آن قدر مغتنم بود که گاهی به دوست پزشکم می‌گفتم: خدانود این دو درخت را برای ما و شما حفظ کند، زیرا می‌ترسم اگر چنین بهانه‌ای در کار نباشد، گرفتاری‌هایی که روزبه‌روز بر آن‌ها افزوده می‌شود، ما را از دیدار هم محروم سازد.

چندی پیش این یار نازنین به بیماری سختی مبتلا شد و روزبه‌روز بر شدت آن افزوده گردید. تا یک ماه پیش که به اوج خود رسید از طرفی، تقریباً از همان زمان، درخت شاه‌توت خانه ما رو به تک‌تک‌گی گذاشت، برگ‌هایش یکی‌یکی فرو افتاد، شاخه‌ها به خشکی گرایید، دیگر از آن میوه‌های پر آب و مثال‌زدنی خبری نبود، چندین باغبان و مهندس کشاورزی را به ملاقاتش آوردیم، هر کسی چیزی گفت و درمانی را تجویز کرد، تمامی تلاش‌ها انجام شد، تا اینکه دو روز پیش، همزمان با درگذشت آن یار فرزانه، آخرین برگ‌های این درخت بر زمین ریخت و امروز، تنها شاخه‌هایی خشکیده و بستری از